**امکان‌سنجی، چالش‌ها و تأثیرات ارز مشترک بریکس بر اقتصاد جهانی**

**مقدمه**

در جهان متحول کنونی، گروه بریکس (BRICS) به عنوان یک بازیگر جدید در عرصه سیاسی و اقتصادی جهانی مطرح شده است. بازیگران کلیدی این گروه برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی هستند و کشورهای دیگری نیز به تازگی به این گروه ملحق شده‌اند که شامل عربستان سعودی، مصر، ایران، امارات متحده و اتیوپی می‌باشند. این تنوع کشورها از لحاظ سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی بر قدرت این گروه افزوده است. این کشورها که در مجموع بالغ بر ۴۵ درصد از جمعیت جهان و ۲۶.۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده‌اند، نقش مهمی را در تحولات سیاسی و اقتصادی جهانی ایفا می‌کنند. بدین لحاظ، بریکس به عنوان یک عامل تأثیرگذار در تحولات اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رود.

گرایش و پیوستن کشورهای جدید به این پلتفورم، نشان‌دهنده تمایل آنها به کاهش وابستگی به دلار آمریکا و بازارهای غربی است. بدین ترتیب، بریکس به دنبال ایجاد یک ارز مشترک برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تسهیل تجارت بین کشورهای عضو است که بتواند جایگزین دلار در مبادلات اقتصادی در آینده شود.

این مقاله به تحلیل امکان‌سنجی، چالش‌ها و پیامدهای ایجاد ارز مشترک بریکس و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی می‌پردازد. با بررسی این موضوع، می‌توانیم درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی کشورهای عضو بریکس و همچنین تأثیرات احتمالی این تغییرات بر نظام مالی جهانی به دست آوریم.

**۱. امکان‌سنجی ارز مشترک بریکس**

**۱.۱. اهداف و انگیزه‌ها**

بطور عمده ایجاد یک ارز مشترک برای بریکس می‌تواند اهداف زیر را دنبال کند:

* **کاهش وابستگی به دلار**: از آنجای که تسلط دلار آمریکا بر اقتصاد جهانی بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس سیستم برتون وودز در سال 1944 آغاز شد، که در آن دلار به عنوان ارز اصلی برای تجارت بین‌المللی معرفی شد. اما این تسلط با کنار گذاشتن استاندارد طلا در سال 1971 افزایش بشتری یافت. بنابراین یکی از اهداف اصلی کشورهای بریکس برای ایجاد یک ارز مشترک، کاهش وابستگی به دلار آمریکا، به عنوان ارز جهانی و تسلط آن بر تجارت بین‌المللی است. کشورهای عضو بریکس به دنبال این هستند که از نوسانات ارزی و تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده مصون بمانند.
* **تقویت همکاری‌های اقتصادی**: ایجاد یک ارز مشترک می‌تواند به تسهیل تجارت بین کشورهای بریکس کمک کند و مانع از هزینه‌های اضافی مربوط به تبدیل ارز شود. این موضوع می‌تواند رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشورهای عضو را در بازارهای داخلی و خارجی افزایش دهد و تجارت منطقه‌ای را به شکلی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر ارتقا دهد. افزایش تجارت بین کشورهای عضو بصورت مستقیم به رشد اقتصادی کمک میکند.
* **تقویت موقعیت سیاسی**: کشورهای بریکس به دنبال تقویت موقعیت خود در عرصه بین‌المللی و کاهش نفوذ قدرت‌های غربی و به چالش کشیدن تسلط دالر هستند. یک ارز مشترک می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی و نمایندگی این کشورها در نظام مالی جهانی کمک کند. ایجاد پیوند های قوی تر بین کشورهای عضو میتواند برتقویت آنها در صحنه های جهانی نیز کمک کند.
* **جذب و تسهیل سرمایه گذاری**:

با ایجاد ارز مشترک و اطمینان از ثبات مالی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی رونق می‌یابد. سرمایه‌گذاران خارجی به‌راحتی می‌توانند در پروژه‌های متعدد هم به‌صورت مستقل و هم به‌صورت مشترک همکاری داشته باشند، زیرا چالش‌های مربوط به هزینه‌ها و مشکلات تبدیل ارز دیگر حل شده است و این به تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری برای اعضای بریکس کمک می‌کند.

**مقدمه بر پیش‌نیازهای ایجاد ارز جدید برای اعضای بریکس**

ایجاد یک ارز مشترک برای اعضای بریکس می‌تواند به تقویت همکاری‌های اقتصادی و کاهش وابستگی به ارزهای سنتی مانند دلار آمریکا کمک کند. با این حال، برای موفقیت این ابتکار، پیش‌نیازهای مشخصی لازم است. این پیش‌نیازها شامل همکاری اقتصادی قوی میان کشورهای عضو، ثبات سیاسی، ایجاد نظام مالی منسجم، و تنظیمات قانونی مناسب برای اقتصاد متنوع اعضا میباشد. فراهم کردن این شرایط فوق می‌تواند مسیر را برای پذیرش و استفاده مؤثر از ارز جدید هموار کند و به تقویت موقعیت بریکس در نظام مالی جهانی کمک نماید.

**۱.۲. پیش‌نیازها**

برای ایجاد یک ارز مشترک، کشورهای بریکس نیازمند شرایط خاصی هستند از جمله فراهم کردن بستر مناسب برای همکاری های اقتصادی قوی میان کشور های عضو، تنوع اقتصادی، انسجام برای ایجاد نظام مالی و ثبات سیاسی که مهم ترین رکن این پیش نیاز بشمار میرود

* **همکاری اقتصادی**: برای عملی شدن ارز جدید کشورهای عضو باید از نظر اقتصادی به همگرای کامل برسند که بتوانند برای توافق شوند. این همگرایی شامل درک مشترک و توافق در زمینه سیاست‌های مالی، تجاری و اقتصادی است.
* **نظام مالی و بانک مرکزی مشترک** : با آنکه **بانک توسعه جدید بریکس (NDB)** توسط اعضای کلیدی بریکس که میتواند در شرایط فعلی نقش کلیدی در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای فعالیت کند و به عنوان جایگزینی مستقل برای نهادهای مالی تحت نفوذ غرب، مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، عمل می‌کند ایجاد شده است و به فعالیت خود آغاز کرده است. با ان هم ایجاد ارز جدید مستلزم تشکیل یک نظام مالی و یک بانک مرکزی مشترک است که بتواند سیاست های پولی را در بازارجهانی مدیریت کند و قادر بر تحکیم ثبات مالی و اقتصادی برای اعضای گروه باشد.
* **حمایت سیاسی**: ایجاد یک ارز مشترک نیازمند حمایت سیاسی قاطع از سوی رهبران کشورهای بریکس است علیرقم حمایت سمبولیک از ارز جدید در نشست اعضای بریکس در روسیه با آن هم اعضای گروه باید بر حمایت سیاسی این موضوع استوار باقی بمانند در غیر ان میتواند روند این پروژه مشترک را را به مشکل مواجه کند.

**۲. چالش‌ها**

**۲.۱. تفاوت‌های عمده در اندازه و ساختار اقتصادی**

یکی از چالش‌های اصلی در ایجاد ارز مشترک بریکس، تفاوت‌های اقتصادی و مالی بین کشورهای عضو است. کشورهای بریکس دارای ساختارهای اقتصادی متفاوتی هستند و این تفاوت‌ها می‌تواند به تعارضات در سیاست‌های مالی و ارزی منجر شود. برای مثال:

چین و هند این دو کشوربه‌عنوان اقتصادهای بزرگتر و با سرعت رشد بالاتر در بریکس قرار دارند، و ظرفیت های بالایی برای تاثیرگزاری بر سیاست های مشترک خواهند داشت در حالی که اقتصادهای روسیه، عربستان سعودی ایران وابسته به منابع طبیعی گاز و نفت است در حالی که برزیل و آفریقای جنوبی اقتصاد کوچکتر و نسبتاً وابسته به صنایع خاصی مانند کشاورزی معدن و مواد خام هستند. اتیوپی کشوری است که یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی در آفریقا را دارا است و کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد اتیوپی دارد و این کشور به‌تازگی در تلاش است تا به یک مرکز تجاری و صنعتی در شرق آفریقا تبدیل شود.

چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان بزرگترین و صنعتی ترین اقتصاد و نیروی محرکه بریکس بشمار میرود که بدون شک نقش مسلطی در اقتصاد این گروه ایفا می‌کند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد وابستگی بیشتر کشورهای عضو به چین و اختلافات اقتصادی بین اعضا منجر شود، چرا که کشورهای کوچکتر ممکن است نتوانند با سرعت رشد و پیچیدگی اقتصادی چین همگام شوند.

**۲.۲. چالش‌های سیاسی**

توافق بر سر ایجاد یک ارز مشترک نیازمند حمایت سیاسی قوی است. اختلافات سیاسی بین کشورهای بریکس، به ویژه در زمینه‌های مرتبط با حقوق بشر و دموکراسی، می‌تواند مانع از پیشرفت این پروژه شود. به عنوان مثال، نگرانی‌ها درباره حقوق بشر در چین و روسیه، جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه، حتا مشکلات ایران در خاورمیانه ممکن است کشورهای دیگر را از همکاری با این کشورها بازدارد.

**۲.۳ نظام‌های حکومتی مختلف**

کشورهای عضو بریکس دارای نظام‌های حکومتی متنوعی هستند. به‌طور مثال، چین و روسیه دارای نظام‌های متمرکز با کنترل بالای دولتی هستند، در حالی که برزیل، هند و آفریقای جنوبی نظام‌های دموکراتیک‌تری دارند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عنوان کشورهای پادشاهی، دارای نظام‌های تصمیم‌گیری بسیار متمرکز هستند که در آن‌ها خانواده‌های سلطنتی نقش اساسی در مدیریت کشورها ایفا می‌کنند.

ایران، به عنوان یک جمهوری اسلامی، ترکیبی از نهادهای دینی و دولتی را در اختیار دارد و سیاست‌های کلان آن تحت نظارت رهبری قرار می‌گیرد. مصر دارای نظام نیمه‌ریاستی است که در آن رئیس‌جمهور نقش محوری دارد. در نهایت، اتیوپی به‌عنوان یک جمهوری فدرال در حال رشد شناخته می‌شود که تلاش می‌کند با چالش‌های داخلی خود مقابله کند.

این تفاوت‌ها ممکن است بر توافق‌نامه‌ها و اهداف بلندمدت بریکس تأثیر بگذارد و در ایجاد انسجام و اجرای سیاست‌های مشترک خلل ایجاد کند.

**۲.۴. تفاوت در دیدگاه‌های استراتژیک**

کشورهای بریکس ممکن است دیدگاه‌های استراتژیک متفاوتی درباره آینده همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود داشته باشند. **چین و روسیه** به طور کلی به دنبال به چالش کشیدن نظام‌های اقتصادی و سیاسی غربی هستند، در حالی که **برزیل و آفریقای جنوبی** روابط نزدیکی با کشورهای غربی دارند و ممکن است تمایلی به تقابل آشکار با غرب نداشته باشند.

**۲.۵. روابط خارجی**

روابط خارجی می‌تواند به‌عنوان یک مانع جدی برای ایجاد ارز مشترک بریکس محسوب شود. فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی علیه برخی از اعضای این گروه می‌تواند بر تصمیمات سیاسی آن‌ها تأثیر گذاشته و همکاری‌های اقتصادی را مختل کند. این امر ممکن است منجر به عدم توافق در مورد استفاده از ارز مشترک شود و تلاش‌ها برای همگرایی مالی را به چالش بکشد

**۲.۶.** **مدیریت ریسک‌های مالی**

ایجاد یک ارز مشترک همچنین به مدیریت ریسک‌های مالی و اقتصادی نیاز دارد. کشورها عضو باید توانایی پیش بینی نوسانات اقتصادی مانند نرخ تورم و نوسانات ارزی را داشته باشند تا بتوانند بشکل بهتری مدیریت کنند وهمچنین قادر باشند تا به وسیله ابزار های مالی مناسب نرخ ریسک های سیستماتیک را کاهش دهند.

در زمان بروز بحران‌های اقتصادی، کشورهای عضو باید آماده باشند که به یکدیگر کمک کنند و مکانیسم های حمایتی متقابل را در سریع ترین زمان ممکن به وجود بیاورند. این مکانیسم های حمایتی میتواند در قالب تشکیل یک صندوق ثبات مالی مشترک باشد که بتواند به کشورهای نیازمند در مواقع نیاز کمک کند.

ایجاد یک نهاد نظارتی مشترک برای پایش عملکرد ارز و ارزیابی مستمر ریسک‌ها به تقویت اعتماد و ثبات ارز مشترک کمک خواهد کرد. با این رویکردها، کشورهای بریکس می‌توانند ریسک‌های مالی مربوط به ارز مشترک را به‌خوبی مدیریت کنند.

**۳. تأثیرات بر اقتصاد جهانی**

**۳.۱.کاهش سلطه دلار در نظام مالی جهانی**

ایجاد یک ارز مشترک برای کشورهای بریکس می‌تواند به کاهش تسلط دلار آمریکا بر اقتصاد جهانی کمک کند. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری یک نظام مالی چندقطبی کمک کرده و قدرت کشورهای غربی را کاهش دهد. این امر می‌تواند به کشورهای غیرغربی فرصتی برای توسعه و تقویت اقتصادهای خود بدهد و مانع از نفوذ بیشتر آمریکا در امور اقتصادی و سیاسی دیگر کشورها شود.

**۳.۲. تأثیر بر تجارت جهانی**

یک ارز مشترک می‌تواند به تسهیل تجارت بین کشورهای بریکس و دیگر کشورها کمک کند. با کاهش هزینه‌های تبدیل ارز و افزایش شفافیت در معاملات تجاری، کشورهای عضو می‌توانند روابط تجاری قوی‌تری برقرار کنند. این امر می‌تواند به رشد اقتصادی این کشورها و افزایش صادرات و واردات منجر شود.

**۳.۳. تأثیر بر سیاست‌های مالی بین‌المللی**

تأسیس ارز مشترک بریکس می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های مالی بین‌المللی داشته باشد. کشورها ممکن است به جای استفاده از دلار، به سمت استفاده از ارز مشترک بریکس گرایش پیدا کنند. این امر می‌تواند به افزایش استقلال اقتصادی کشورهای بریکس و کاهش وابستگی به نظام مالی فعلی منجر شود.

**۴. نتیجه‌گیری**

اگرچه بریکس پتانسیل ایجاد یک نیروی قوی اقتصادی و سیاسی را دارد، تأسیس ارز مشترک بریکس می‌تواند به‌عنوان یک اقدام مهم در جهت تقویت همکاری‌های اقتصادی و کاهش وابستگی به دلار آمریکا تلقی شود. موفقیت این پروژه به توانایی کشورهای عضو در مدیریت اختلافات و هماهنگ‌سازی سیاست‌هایشان وابسته است. ایجاد این ارز می‌تواند تغییرات چشمگیری در اقتصاد جهانی ایجاد کند و به اصلاحات اساسی در نظام مالی بین‌المللی منجر شود.

شکل‌گیری یک نظام چندقطبی در معادلات تجاری به جای نظام تک‌قطبی می‌تواند تأثیرات مثبت و پایداری بر ثبات اقتصادی و سیاسی در منطقه و جهان داشته باشد و فرصتی بی‌نظیر برای کشورهای بریکس فراهم آورد تا بر تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان خود تمرکز کنند.

با این حال، چالش‌های متعددی از جمله تفاوت‌های اقتصادی و سیاسی، نظام‌های حکومتی مختلف، و نگرانی‌های اقتصادی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. بررسی دقیق این چالش‌ها و پیش‌نیازها می‌تواند به فهم بهتر فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از ایجاد ارز مشترک بریکس کمک کند و در نهایت منجر به افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین کشورهای عضو و تأثیرات مثبت بر اقتصاد جهانی شود.

نویسنده: کیهان بارکزی دانشجوی دکترا